

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک

حاتم حسینی*، محمدجلال عباسی شوازی**

چکیده: هم‌سو با روند کلی تحولات باروری در ایران، آذربایجان غربی در طول سال‌های اخیر کاهش باروری گسترده‌ای را تجربه کرده است. در این مطالعه، ضمن تحلیل هم‌گروه تغییرات اجتماعی و اندیشه‌ای، تلاش می‌کنیم تا تأثیر تعاملی این متغیرها بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک را تحلیل کنیم. روش تحقیق، پیمایشی است. جمعیت آماری زنان ۱۵-۴۹ ساله‌ی متعلق به یکی از خانوارهای معمولی ساکن در شهرستان ارومیه است که حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌اند. حجم کل نمونه ۷۶۸ خانوار است که در نهایت پرسش‌نامه‌های مربوط به ۷۳۹ زن واجد شرایط تحلیل خواهد شد. روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تصادفی و تصادفی سیستماتیک است. تکنیک گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ی ساخت‌یافته است. یافته‌ها از عمومیت تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه به‌ویژه در گروه‌های هم‌دوره‌ی اخیرتر ازدواج حکایت دارد. بر اساس این مطالعه، تغییرات اندیشه‌ای محسوس در زمینه‌ی ازدواج و فرزندآوری و نیز رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان گروه‌های قومی به‌وجود می‌آید. نتایج گویای آن است که تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده ملایم با تغییر در نگرش‌ها و ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری و در نهایت رفتار و ایده‌آل‌های باروری است. یافته‌ها از نتایج تحقیقات پیشین مبنی بر اشاعه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین و هم‌گرایی رفتار و ایده‌آل‌های باروری گروه‌های قومی حمایت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: باروری تجمعی، گروه‌های قومی، تحلیل طبقه‌بندی چندگانه، عوامل بلافصل، گروه‌های هم‌دوره، عوامل زمینه‌ای.

مقدمه

از زمانی که تحقیقات تجربی درباره‌ی گذار جمعیت‌شناختی در کشورهای صنعتی شروع شد، مطالعه‌ی باروری

h-hosseini@basu.ac.ir

mabbasi@ut.ac.ir

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

** دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۰۲/۲۸

افتراقی در کانون مطالعه‌های جمعیت‌شناختی قرار گرفت (کله‌لند و رودریگز^۱، ۱۹۸۸: ۴۱۹). باروری به‌عنوان یک پدیده‌ی زیستی، تحت تأثیر عوامل، شرایط و زمینه‌هایی است که قومیت یکی از آن‌ها است. مک‌دونالد (۲۰۰۲) گروه‌های قومی را یکی از بسترهای مناسب برای مطالعه‌ی روندهای جمعیت‌شناختی می‌داند. تنوع قومی یکی از عناصر کلیدی تغییرات در الگوهای باروری است. تعلق قومی از طریق تسهیل و تقویت اشاعه‌ی ایده‌های جدید مرتبط با باروری و تأکید بر حفظ ارزش‌ها و هنجارهای قومی و ممانعت از پذیرش ایده‌های جدید، به‌صورت دوگانه و در جهات مختلف نگرش‌ها، رفتار و ایده‌آل‌های باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مطالعه باروری افتراقی و تعیین‌کننده‌های آن به‌عنوان یکی از عناصر اصلی گذار جمعیت‌شناختی در میان زیرگروه‌های جمعیتی، آگاهی و بینشی بهتر نسبت به سطوح و روندهای آینده‌ی باروری به‌دست می‌دهد. تفاوت‌های قومی در سطوح و روندهای باروری به‌دلیل هم‌گرایی گروه‌های قومی در سطوح و روندهای مرگ‌ومیر می‌تواند به تفاوت‌های قومی در گذار جمعیت‌شناختی منجر شود که خود، حجم و میزان‌هایی متفاوت از رشد جمعیت را بر گروه‌های قومی و مذهبی تحمیل خواهد کرد. حجم و ترکیب گروه‌های قومی و مذهبی همواره مبنای پی‌ریزی دعاوی قومی، مشروعیت بخشیدن به جای‌گاه گروه‌های قومی و مذهبی و سهم آن‌ها در نظام توزیع منابع است (طالب و گودرزی، ۱۳۸۲). گروه‌های قومی و مذهبی با تأکید بر عوامل جمعیت‌شناختی تلاش می‌کنند تا منافع و موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را بهبود بخشند و در رقابت با سایر گروه‌های قومی و مذهبی موقعیت چانه‌زنی خود را تقویت کنند. بی‌تردید تغییر موازنه‌ی جمعیتی، به‌ویژه در سطح منطقه‌ای و محلی، پیامدهای اقتصادی - اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و در نهایت جمعیت‌شناختی مهم برای گروه‌های قومی و مذهبی و کل جامعه خواهد داشت.

شواهد نشان می‌دهند که در بسیاری از نقاط جهان نوعی تغییر اساسی در ایستارهای افراد نسبت به ازدواج و فرزندآوری و نیز برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده صورت گرفته است. بر اساس مطالعه‌های صورت‌گرفته، تغییر در ایستارهای مربوط به زندگی خانوادگی نقش تعیین‌کننده در روندهای جمعیت‌شناختی داشته است (عبّاسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴). طی سه دهه‌ی گذشته، باروری در ایران به‌طرزی چشم‌گیر کاهش پیدا کرد. این وضعیت سبب شد تا ایران طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۶، به جرگه‌ی کشورهای بیبوند که دارای باروری در سطح یا زیر سطح جای‌گزینی بودند (اداره‌ی مدارک جمعیت^۲، ۲۰۰۶: ۹-۸).

1. Cleland and Rodriguez

2. Population Reference Bureau

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۵۷

مطالعات عِبّاسی شوازی و مک‌دونالد (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) نشان داد که کاهش باروری در ایران به‌طور هم‌زمان در تمام مناطق جغرافیایی و گروه‌های سنی تولیدمثل صورت گرفته است.

بر اساس مطالعه‌های صورت‌گرفته (عبّاسی شوازی و حسینی، ۲۰۰۸)، در طول دوران گذار باروری در ایران، گروه‌های قومی و استان‌های ناهمگن از نظر قومی و مذهبی، سطوح متفاوت اما روندهای باروری مشابه با سطوح و روندهای ملی باروری و اکثریت فارس تجربه کرده‌اند. فرآیند گذار باروری در ایران متناسب با تحولاتی بوده است که در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی و نیز برخی از ابعاد سنتی خانواده به وقوع پیوسته و به تغییراتی در ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری و در نهایت رفتار و ایده‌آل‌های باروری منجر شده است. با توجه به تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر و ضرورت اتخاذ سیاستی روشن و شفاف در زمینه‌ی باروری و آهنگ رشد جمعیت در آینده، آگاهی و شناخت از رفتار و ایده‌آل‌های باروری گروه‌های قومی و عوامل و تعیین‌کننده‌های آن، نقشی مهم در درک پویایی‌های جمعیت و روندهای آن خواهد داشت. توجه نکردن به اهمیت تفاوت‌های قومی در نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری و پاسخ‌های متفاوت قومی به سیاست‌های جمعیتی دولت به یک ترکیب قومی متفاوت منجر خواهد شد که پیامدهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مهمی در سطح منطقه‌ای و ملی خواهد داشت.

آذربایجان غربی از نظر قومی و مذهبی دارای یک جمعیت ناهمگن است. در این استان، سهم کُردها در زمینه‌هایی چون آموزش (حسینی ۱۳۸۰ الف: ۸۵)، میزان مشارکت سیاسی، میزان مشارکت زنان در بازار کار و سایر شاخص‌های توسعه کم‌تر از تُرک‌ها و احساس بی‌عدالتی قومی (بلالی، ۱۳۸۴) در میان آن‌ها بیشتر از تُرک‌هاست. با این حال، مطالعه‌ها از هم‌گرایی باروری گروه‌های قومی با روندهای ملی و اکثریت فارس (عبّاسی شوازی، حسینی و نای‌پنگ، ۱۳۸۶، عبّاسی شوازی و حسینی، ۲۰۰۸) و نیز هم‌گرایی باروری کُردها و تُرک‌ها (حسینی، ۱۳۸۷) در سال‌های اخیر حکایت دارد.

در این مطالعه سازوکار ارتباط تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده و ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری با رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک شهرستان ارومیه مطالعه شده است. در واقع می‌خواهیم بدانیم که آیا ایستارهای زنان درباره‌ی ازدواج، خانواده و فرزندآوری تغییر کرده است؟ اگر چنین است، سهم این تغییرات در کاهش باروری گروه‌های قومی طی سال‌های اخیر چقدر است؟ تا چه اندازه عواملی چون تغییرات اجتماعی و اندیشه‌ای در هم‌گرایی رفتار و ایده‌آل‌های باروری گروه‌های قومی مؤثر بوده است؟

مبانی نظری

تلاش‌هایی بسیار برای درک تعیین‌کننده‌های باروری و فرمول‌بندی تئوری‌ها و مدل‌های مناسب جهت تبیین رفتار تولیدمثل گروه‌های قومی از سوی صاحب‌نظران صورت گرفته است. محققان بسیار تلاش کرده‌اند تا با استفاده از فرضیه‌های ارائه‌شده در چارچوب دو روی‌کرد همانندی مشخصه‌ها و هنجارهای خُرده‌فرهنگی به تبیین تفاوت‌های قومی در باروری بپردازند.

بر اساس روی‌کرد همانندی مشخصه‌ها، قومیت تأثیر مستقل معناداری بر باروری ندارد و تفاوت باروری گروه‌های قومی پدیده‌ای مقطعی است که در گذر زمان در اثر نوسازی و ایجاد همانندی در توسعه اقتصادی و اجتماعی از بین می‌رود (گلدشاید و اولنبرگ^۳، ۱۹۶۹؛ جانسون^۴، ۱۹۷۹؛ نای‌پنگ^۵، ۲۰۰۲؛ دادلی و همکاران، ۲۰۰۶). مطالعاتی بسیار در چارچوب این روی‌کرد برای تبیین تفاوت‌های قومی در باروری صورت گرفته است. گرچه یافته‌های برخی تحقیقات شواهد تجربی لازم را در حمایت از فرضیه‌ی مشخصه‌ها ارائه می‌دهد (کوللون، ۱۹۸۹؛ میستری^۶، ۱۹۹۹؛ جانسون^۷، ۱۹۷۹؛ لویز و صباغ، ۱۹۷۸؛ ایکدویگو و سیرکسی^۸، ۱۹۹۲؛ سوتای، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶؛ اسلای، ۱۹۷۰؛ میشر، ۲۰۰۴؛ پوستون و همکاران، ۲۰۰۶؛ نای‌پنگ^۹، ۲۰۰۲؛ تروواتو، ۱۹۸۱؛ فیشر و مارکوم، ۱۹۸۴؛ تاملینسون، ۱۹۶۵؛ دادلی و همکاران، ۲۰۰۶؛ پرنده، ۱۳۷۲؛ زنجانی و ناصری، ۱۳۷۵؛ طالب و گودرزی، ۱۳۸۲؛ حسینی و مهریار، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳)، اما شواهد به‌دست‌آمده به‌طور کامل از تبیین مبتنی بر این روی‌کرد حمایت نمی‌کند. کاهش هم‌زمان باروری در میان گروه‌های قومی با ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی و شرایط توسعه‌ای متفاوت در بسیاری از مناطق دنیا از جمله ایران مهم‌ترین چالش تجربی پیش‌روی این دیدگاه است.

در پاسخ به محدودیت‌های فرضیه‌ی مشخصه‌ها، فرضیه‌ی تأثیر قومی-فرهنگی ارائه شد. در این روی‌کرد بر نقش مستقل و معنادار قومیت در تفاوت‌های قومی باروری تأکید می‌شود. این روی‌کرد دربرگیرنده‌ی دو فرضیه‌ی متفاوت تأثیرات ساختاری و تأثیرات خُرده‌فرهنگی با الیهات ویژه است. در ادبیات جمعیت‌شناسی

3. Goldscheider and Uhlenberg

4. Nai Peng

5. Mistry

6. Johnson

7. Icduygu and Sirkeci

8. Peng

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۵۹

گروه‌های قومی، عناصر ساختاری تأثیر قومی-فرهنگی را تأثیر موقعیت اقلیت می‌گویند و از آن با عنوان فرضیه‌ی موقعیت گروه اقلیت یاد می‌کنند (گلدشاید و اولنبرگ، ۱۹۶۹). این فرضیه مبتنی بر پویایی روابط گروه‌های اقلیت و تأثیر مستقل موقعیت گروه اقلیت بر باروری است (گلدشاید و اولنبرگ، ۱۹۷۱ به نقل از اندورکا^۹: ۱۹۷۸: ۳۲۷). بر این باورند که موقعیت گروه اقلیت می‌تواند نقشی مهم در شکل دادن به الگوهای جمعیت‌شناختی یک گروه قومی یا مذهبی داشته باشد. عضویت در یک گروه اقلیت که دارای یک نظام هنجاری مشوق خانواده‌های بزرگ نیست و استفاده از روش‌های مؤثر پیش‌گیری از حاملگی را منع نمی‌کند، باعث می‌شود تا باروری گروه اقلیت از گروه اکثریت پایین‌تر باشد. بین و مارکوم^{۱۰} نیز این جنبه از فرضیه‌ی تأثیر قومی-فرهنگی را با عنوان تفاوت اثر موقعیت گروه اقلیت^{۱۱} متمایز می‌کنند و بر این باورند که در این وضعیت الگوی رابطه‌ی بین موقعیت اقتصادی-اجتماعی و باروری در میان اعضای گروه اقلیت قوی‌تر از این رابطه در میان اعضای گروه اکثریت می‌شود، زیرا فرهنگ‌پذیری بر همانندی اقتصادی و اجتماعی پیشی می‌گیرد و تمایل و حرکت به سمت همانندی اقتصادی و اجتماعی به‌وجود می‌آید (محمودیان، ۱۳۷۹: ۱۵۷). در رویکرد تأثیر قومی-فرهنگی از زاویه‌های دیگر و در قالب ارزش‌ها و هنجارهای خُرده‌فرهنگی به تبیین باروری بالای گروه‌های اقلیت در مقایسه با گروه اکثریت می‌پردازند و استدلال می‌کنند که گروه‌های قومی به‌دلیل داشتن ارزش‌های فرهنگی متفاوت، رفتار باروری متفاوت را تجربه می‌کنند. در فرهنگ بعضی گروه‌های قومی ممکن است فرزندان دارای ارزش بالا و افراد در رفتارهای باروری به‌شدت تقدیرگرا باشند، یا روش‌هایی معین از کنترل موالید در میان آن‌ها ممنوع شده باشد. بنابراین انتظار می‌رود گروه‌های قومی حتی با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی یکسان، سطوح باروری متفاوت را تجربه کنند. در این فرضیه که از آن با عنوان فرضیه‌ی خُرده‌فرهنگی یا تأثیرات هنجاری (لوپز و صباغ، ۱۹۷۸: ۱۴۹۲) نیز یاد می‌کنند، بر تأثیرات خُرده‌فرهنگی و الهیات ویژه بر باروری گروه‌های قومی تأکید می‌شود. بین و مارکوم با عنوان تفاوت سطوح موقعیت گروه اقلیت^{۱۲} از آن سخن می‌گویند. منظور آن‌ها فرایندی است که در آن همانندی اقتصادی-اجتماعی بر فرهنگ‌پذیری پیشی می‌گیرد. افراد گروه اقلیت در هر سطح از موقعیت اقتصادی-اجتماعی، به دلایلی چون تمایل و تأکید بر حفظ هویت فرهنگی خود، یکپارچگی و انسجام فرهنگی قوی در بین آن‌ها و وجود نوعی

⁹. Andorka

¹⁰. Marcum

¹¹. Minority Group Status Effect Difference

¹². Minority Group Status Levels Difference

خُرده‌فرهنگِ موافق با افزایش مولید از میزان باروری بالاتری برخوردارند. بنابراین، تفاوت‌های باروری گروه‌های قومی در تمام سطوح اقتصادی و اجتماعی، حتی پس از کنترل تمام تفاوت‌ها در ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی، هم‌چنان وجود خواهد داشت.

بسیاری از محققان تلاش کرده‌اند تا با استفاده از روی‌کردهای نظری ارایه‌شده، به آزمون کارایی نسبی فرضیه‌های قومیت و باروری در جوامع ناهمگن به لحاظ قومی و فرهنگی بپردازند. این مطالعات در مجموع سبب شده است تا ادبیات جمعیت‌شناختی وسیعی در حوزه‌ی جمعیت‌شناسی گروه‌های قومی و مطالعات باروری افتراقی به‌وجود بیاید. با وجود این، تئوری‌ها و مدل‌های موجود تاکنون نتوانسته‌اند از فرضیه‌هایی که سازوکارهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی تغییرات باروری را در چارچوبی منسجم بیان می‌کنند مجموعه‌ای نامتناقض ارایه دهند (عبّاسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۲۹). در ایران نیز مطالعات مختلف (پرنده، ۱۳۷۲؛ زنجانی و ناصری، ۱۳۷۵؛ ندیم و سالاری لک، ۱۳۷۹؛ عبّاسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳؛ صادقی، ۱۳۸۳؛ حسینی، ۱۳۸۳؛ عبّاسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۵؛ حسینی و مهریار، ۱۳۸۵؛ عبّاسی شوازی و حسینی، ۱۳۸۷؛ حسینی، ۱۳۸۷) به تبیین تفاوت‌های باروری گروه‌های قومی پرداخته‌اند.

یافته‌های این مطالعات بر نقش عواملی چون مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، هنجارهای خُرده‌فرهنگی و در مواردی، ترکیبی از مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، هنجارهای خُرده‌فرهنگی، نگرش‌ها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری و عوامل بلافصل تأکید کرده‌اند. حسینی (۱۳۸۷) و عبّاسی شوازی و حسینی (۱۳۸۷) نشان دادند که هیچ‌یک از روی‌کردهای رقیب به تنهایی قادر به تبیین تفاوت باروری گروه‌های قومی و هم‌گرایی قومی در تجربه‌ی کاهش باروری نیستند، زیرا با وجود کنترل تأثیر تمام عوامل و متغیرهای مرتبط با هر یک از روی‌کردها، قومیت هم‌چنان تأثیری تعیین‌کننده و معنادار بر باروری دارد.

جامعه‌ی ایران طی دهه‌های گذشته به‌ویژه سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، تحولاتی بسیار را در ابعاد مختلف اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تجربه کرد. به تعبیر سربابی (۱۳۸۵: ۴۱) تاریخ معاصر ایران روایت‌گر تقلای یک جامعه‌ی ریشه‌دار محلی از یک‌سو برای ماندن (تداوم) و از سوی دیگر برای مدرن شدن (تغییر) بوده است. در بستر این تحولات برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده و به تبع آن نگرش‌ها، رفتار و ایده‌آل‌های باروری دست‌خوش تغییر شد. با توجه به روندهای باروری گروه‌های قومی و هم‌گرایی قومی در تجربه‌ی گذار باروری، به‌نظر می‌رسد عمومیت تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده و متعاقب آن تغییرات اندیشه‌ای، از عوامل تعیین‌کننده‌ی هم‌گرایی رفتارها و ایده‌آل‌های باروری

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۶۱

باشد. تأثیر تعیین‌کننده‌ی تحصیلات زنان در تغییر رفتار تولیدمثل، که در بسیاری از مطالعات بر آن صحه گذاشته شده است، احتمالاً بیش‌تر منعکس‌کننده‌ی تغییرات اندیشه‌ای است تا تغییرات در واقعیت‌های عینی اقتصاد خُرد. وقتی افراد اهمیت خانواده‌های کوچک و کم‌حجم را درک و باور کنند که اختیار زندگی‌شان تا اندازه‌ای دست خودشان است، از وسایل پیش‌گیری از حاملگی استفاده خواهند کرد و بنابراین کاهش باروری می‌تواند در شرایط مختلف اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی صورت بگیرد. کاهش ناگهانی باروری در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته در یک گستره‌ی زمانی کوتاه و بدون کمترین تغییر و در مواردی بدون تغییر در شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی گواه این مدعاست.

امروزه در ایران باروری پایین مشخصه‌ی گروه‌های قومی با ویژگی‌های فرهنگی و شرایط توسعه‌ای متفاوت است (عبّاسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۶-۱۳۸۳). بر این اساس می‌توان گفت که در شرایط کنونی ایران، ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین توسط افراد و طبقات مختلف اجتماعی و گروه‌های قومی به‌طور یکسان درک می‌شود. در واقع به‌نظر می‌رسد که در طول زمان، ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری در جهت خانواده‌های کوچک و کم‌حجم تغییر کرده است و گروه‌های قومی به نوعی هم‌گرایی در رفتار و ایده‌آل‌های باروری رسیده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایشی است. جمعیت آماری زنان ۱۵-۴۹ ساله‌ی متعلق به هریک از خانوارهای معمولی ساکن در شهرستان ارومیه است که حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌اند. واحد نمونه‌گیری خانوار است. برای تعیین حجم نمونه، پس از پردازش و پالایش داده‌های نتایج اولیه‌ی سرشماری ۱۳۸۵ شهرستان ارومیه، بر مبنای تعداد کل خانوارهای ساکن در نقاط روستایی با بیش از ۳۰ خانوار و با ترکیب قومی تُرک، حجم نمونه‌ای بالغ بر ۳۷۶ خانوار تعیین شد که در نهایت و با توجه به مشکل ریزش نمونه به ۳۸۴ خانوار افزایش یافت. با توجه به این که مطالعه‌ی حاضر از نوع تطبیقی است تصمیم گرفتیم تا نمونه‌ای با حجم برابر از هر گروه قومی در مناطق شهری و روستایی انتخاب کنیم. بنابراین، تعداد نمونه‌ی کُرد را نیز ۳۸۴ خانوار و برابر با نمونه‌ی تُرک در نظر گرفتیم. بر این اساس، حجم کل نمونه برابر با ۷۶۸ خانوار تعیین شد که در نهایت، پرسش‌نامه‌های مربوط

به ۷۳۹ زن واجد شرایط مطالعه در داخل خانوار تحلیل شد. روش نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تصادفی و تصادفی سیستماتیک است. تکنیک گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی ساخت‌یافته است. به‌منظور ارزیابی تأثیر متغیرها و شاخص‌های مختلف تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده و ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری، ضمن تحلیل رفتار و ایده‌آل‌های باروری گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج به تفکیک قومیت به تحلیل هم‌گروه شاخص‌ها و متغیرهای مذکور نیز می‌پردازیم. در ادامه با استفاده از یک تحلیل چندمتغیره‌ی دو مرحله‌ای و بهره‌گیری از تکنیک تحلیل طبقه‌بندی چندگانه^{۱۳}، اثرات انفرادی و تراکمی هر یک از متغیرهای پیش‌بین بر متغیرهای وابسته را مطالعه می‌کنیم. جدول (۱) متغیرها و شاخص‌های تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول (۱) متغیرها و شاخص‌های تغییرات اجتماعی و اندیشه‌ای، رفتار و ایده‌آل‌های باروری

قومیت، سواد و تحصیلات زنان، رابطه‌ی خویشاوندی با همسر، سن هنگام ازدواج، نگرش نسبت به منافع فرزندان، ارزش‌های خانوادگی بزرگ، ازدواج‌های خویشاوندی، حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران، اولویت ازدواج یا ادامه تحصیل دختران، اشتغال زن در فعالیت‌های خارج از منزل و فاصله‌گذاری مناسب بین موالید	متغیرهای پیش‌بین
شمار فرزندان زنده متولد شده، شمار فرزندان ایده‌آل در زمان ازدواج، شمار فرزندان ایده‌آل در زمان مطالعه	متغیرهای وابسته

از میان شاخص‌های مربوط به تغییرات اندیشه‌ای ابتدا شاخص‌های نگرش نسبت به ازدواج‌های خویشاوندی دختران، حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران، اولویت ازدواج یا ادامه تحصیل دختران، اشتغال زن در فعالیت‌های خارج از منزل، منافع فرزندان، ارزش‌های خانوادگی بزرگ و فاصله‌ی مناسب بین دو تولد متوالی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین با کنترل متغیر قومیت وارد تحلیل شدند. در مرحله‌ی دوم، متغیرهای سواد و تحصیلات زنان (شاخص تغییرات اجتماعی) و سن زن هنگام ازدواج (شاخص تغییرات خانواده) به مجموعه‌ی متغیرهای مرحله‌ی اول اضافه شد. از آن‌جا که تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده نقشی مهم در تغییرات اندیشه‌ای دارد، با اتخاذ این استراتژی برای تحلیل، نه‌تنها امکان برآورد تأثیر تغییرات اجتماعی و خانواده بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری فراهم می‌شود، بلکه می‌توان دریافت که تا چه اندازه تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده به‌عنوان میانجی تغییرات اندیشه‌ای و متغیرهای باروری ظاهر شده است.

¹³. Multiple Classification Analysis

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۶۳

یافته‌ها

تحلیل باروری تجمعی گروه‌های هم‌دوره

در مطالعات پیشین باروری افتراقی بر مطالعه‌ی باروری گروه‌های هم‌دوره و سنجه‌هایی که مطالعه‌ی گروه‌های هم‌دوره‌ی واقعی را تسهیل کند خیلی تأکید می‌شد. شمار فرزندان که زنده متولد می‌شوند یک مجموعه‌ی ضروری از داده‌ها برای چنین مطالعاتی بود. در واقع، استفاده از سنجه‌های باروری تجمعی توسط تحلیل‌گران باروری افتراقی مبتنی بر این استدلال بود که بسیاری از نیروهایی که باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تأثیرشان بر باروری به تدریج و به‌طور پیوسته در طول دوره‌های طولانی از زمان ظاهر می‌شود (چو و دیگران، ۱۹۷۰: ۱۵).

برخلاف تحلیل‌های مقطعی باروری که مبتنی بر تجارب یک بخش از جمعیت در دوره‌ای خاص است، تحلیل باروری گروه‌های هم‌دوره به‌منظور پی‌گیری وضعیت باروری گروهی از زنان در طول دوران باروری صورت می‌گیرد. در رویکرد مقطعی، تغییرات باروری نتیجه‌ی تغییراتی است که تمام گروه‌های سنی و گروه‌های هم‌دوره را به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که رویکرد گروه‌های هم‌دوره، تغییرات باروری را نتیجه‌ی تغییراتی می‌داند که تنها افراد یک گروه هم‌دوره‌ی ازدواج یا متولدین هم‌دوره‌ی مشخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عبّاسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۳: ۶-۵).

مقایسه‌ی نسبت‌های زنده‌زایی نکاحی گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج (جدول ۲) بیان‌گر تجربه‌ی متفاوت زنان است. در هر دو گروه قومی مزدوجین هم‌دوره‌ی ۱۳۷۰ و قبل از آن، متوسط زنده‌زایی بیشتری در مقایسه با زنان ازدواج‌کرده طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۱ دارند. با وجود این، تفاوت‌های باروری مزدوجین هم‌دوره‌ی زنان کُرد و تُرک در طول زمان محدودتر شده و با ۳۷/۵ درصد کاهش از ۱/۶ فرزند زنده به‌دنیا آمده در میان ازدواج‌کرده‌های ۱۳۷۰ و قبل از آن به ۰/۶ در مزدوجین هم‌دوره‌ی ۱۳۸۱-۱۳۷۱ رسیده است. اگرچه ازدواج‌کرده‌های دوره‌ی ۱۳۸۱-۱۳۷۱ هنوز باروری‌شان تکمیل نشده است، با این حال با توجه به سطح پایین باروری آن‌ها، امکان افزایش آن تا سطح باروری نسل قبلی ممکن نیست. از طرفی، چون شرایط برای هر دو گروه قومی یکسان است، می‌توان سطح زنده‌زایی آن‌ها را مقایسه کرد.

جدول (۲) میانگین شمار فرزندان زنده به دنیا آمده به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج

قومیت						گروه‌های قومی
تُرک			کُرد			
حجم نمونه	میانگین	میانگین	حجم نمونه	میانگین	میانگین	گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج
۱۷۱	۳	۳/۱	۱۶۳	۵	۴/۷	
۱۹۰	۲	۱/۶	۱۸۲	۳	۲/۲	۱۳۷۱-۱۳۸۱

موضوع دیگری که از اطلاعات جدول (۲) استنباط می‌شود این است که تغییرات باروری کُردها در گذر زمان به مراتب شدیدتر از تُرک‌ها بوده است. برای مثال، متوسط زنده‌زایی نکاحی زنان کُرد متعلق به مزدوجین هم‌دوره‌ی ۱۳۷۰ و قبل از آن با ۵۳/۲ درصد کاهش از ۴/۷ به ۲/۲ در مزدوجین هم‌دوره‌ی ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱ تقلیل یافته است. کاهش متناظر در میان تُرک‌ها تنها ۴۸/۴ درصد است. دلیل این روند را شاید بتوان در باروری بالای زنان کُرد جست‌وجو کرد.

تحلیل هم‌گروه برخی از شاخص‌های تغییرات اجتماعی و خانواده

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحولات اقتصادی و اجتماعی در چند دهه‌ی گذشته توسعه‌ی آموزش همگانی به‌ویژه برای زنان بوده است. تحصیلات نقشی مهم در بسیاری از نظریه‌های گذار باروری دارد. بخشی قابل توجه از ادبیات جمعیت‌شناسی به مطالعه‌ی نقش تحصیلات زنان در کاهش مستمر و مداوم باروری اختصاص یافته است (مارتین و جوزز، ۱۹۹۵؛ اوسیلی و لانگ، ۲۰۰۴؛ لام و دوریه، ۱۹۹۹؛ روستزویگ و شولتز، ۱۹۸۹؛ کله‌لند، ۲۰۰۲؛ درز و مورثی، ۲۰۰۱؛ استیکوز، ۲۰۰۱؛ فریدمن و همکاران، ۱۹۷۷؛ گرف، ۱۹۷۹؛ جاین، ۱۹۸۱؛ اندرسون، ۱۹۷۵؛ ردرفورد و همکاران، ۲۰۰۳؛ عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۳؛ حسینی و مهریار، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴). کول (۱۹۷۳) و کالدول (۱۹۷۸) افزایش سطح تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات زنان، را نیروی اصلی نهفته در پس گذار باروری می‌دانند. تحصیلات، یکی از تعیین‌کننده‌ها و ارکان اصلی موقعیت زنان و نوگرایی در جامعه است که به‌طور معکوس در ارتباط با باروری قرار می‌گیرد (مهریار و همکاران، ۲۰۰۲؛ ۳؛ بهند و کانی‌تکار، ۱۹۹۴؛ ۲۶۲). مک‌دونالد (۲۰۰۰) موقعیت زنان را یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه می‌داند.

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۶۵

جدول (۳) تفاوت تجربه‌ها و ویژگی‌های خانوادگی زنان گروه‌های قومی در میان مزدوجین هم‌دوره‌ی مختلف را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تفاوت‌های قومی در سواد و تحصیلات زنان در هر دو گروه هم‌دوره‌ی ازدواج قابل‌توجه بوده است، اما این شکاف‌ها در طول زمان محدودتر شده و سطح تحصیلات مزدوجین هم‌دوره تغییر کرده است. در هر دو گروه قومی، تحصیلات زنان به‌طرزی چشم‌گیر از یک گروه هم‌دوره به گروه هم‌دوره‌ی دیگر تغییر کرده است، اما اندازه‌ی تغییرات در میان تُرک‌ها بیشتر از کُردهاست. ازدواج‌های خویشاوندی یکی از شاخص‌های تغییرات خانواده است. اصولاً در جوامع سنتی ازدواج‌های خویشاوندی بیشتر عمومیت دارد و زنان تمایل دارند که فرزندان‌شان (دختر یا پسر) با فردی از افراد فامیل ازدواج کنند. در جامعه‌ای با چنین ساختار اجتماعی و فرهنگی انتظار بر این است که رفتار و تمایلات باروری متفاوت از جامعه‌ای باشد که ازدواج‌های خویشاوندی کمتر رواج دارد. اگر ازدواج خویشاوندی در طول زمان تغییر کند، بیان‌گر اندیشه‌هایی جدید است که درباره‌ی ماهیت ازدواج خویشاوندی به‌وجود آمده است. این تغییرات هم‌چنین نشان می‌دهد که کنترل خانواده بر ازدواج کم‌رنگ شده است و بنابراین نسل‌های جوان‌تر با استقلال عمل بیشتری می‌توانند اقدام به ازدواج کنند که در نهایت ممکن است به تغییر رفتار باروری منجر شود (عبّاسی شوازی، ۲۰۰۳: ۱۵).

جدول (۳) برخی از شاخص‌های تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج

قومیت				گروه‌های قومی
تُرک		کُرد		
گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج		گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج		
۱۳۷۱-۱۳۸۱	۱۳۷۰ و قبل از آن	۱۳۷۱-۱۳۸۱	۱۳۷۰ و قبل از آن	گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج
				سواد و تحصیلات
۴/۸	۳۱/۰	۴۷/۶	۷۱/۳	بی‌سواد
۲۸/۸	۳۵/۷	۳۵/۱	۱۹/۵	ابتدایی
۴۰/۴	۲۱/۶	۱۲/۶	۳/۰	راهنمایی یا متوسطه
۲۶/۰	۱۱/۷	۶/۱	۴/۷	دیپلم و بالاتر
				رابطه‌ی خویشاوندی با همسر
۲۰/۲	۲۵/۷	۴۱/۹	۴۵/۷	خویشاوند
۷۹/۸	۷۴/۳	۵۸/۱	۵۴/۳	غیرخویشاوند

ادامه‌ی جدول (۳) برخی از شاخص‌های تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده
به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج

قومیت				گروه‌های قومی
تُرک		کُرد		
گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج		گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج		
۱۳۸۱-۱۳۷۱	۱۳۷۰ و قبل از آن	۱۳۸۱-۱۳۷۱	۱۳۷۰ و قبل از آن	گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج
				سن هنگام ازدواج
۴/۳	۱۰/۵	۴/۲	۲۲/۰	کم‌تر از ۱۵
۴۶/۲	۵۳/۸	۴۴/۵	۴۷/۰	۱۹-۱۵
۲۸/۴	۲۹/۸	۳۷/۲	۲۵/۶	۲۴-۲۰
۲۱/۲	۵/۸	۱۴/۱	۵/۵	۲۵ و بالاتر

بر اساس داده‌های جدول (۳)، ازدواج‌های خویشاوندی در میان کُردها بیشتر از تُرک‌ها عمومیت دارد. با این‌حال، در هر دو گروه قومی از وقوع ازدواج‌های خویشاوندی تا حدودی کاسته شده و تمایل به ازدواج با افراد غیر فامیل اندکی افزایش یافته است. این نتیجه هم‌سو و منطبق با نتیجه‌ای است که عباسی‌شوازی و هم‌کاران (۲۰۰۸: ۹۱۷) در مطالعه‌ی ازدواج‌های خویشاوندی در ایران به آن دست یافتند. محور دیگر تغییرات خانواده در ایران افزایش سن ازدواج است. سن ازدواج، با توجه به محدودیت دوران تولیدمثل، می‌تواند تأثیری تعیین‌کننده بر باروری داشته باشد. به‌طور کلی، فرض بر این است که ازدواج زودرس در ارتباط است با نسبت بالایی از افرادی که در نهایت ازدواج می‌کنند. از سوی دیگر، افزایش سن ازدواج و درصد افراد مجرد با کاهش سنجه‌های مقطعی باروری مثل میزان مولید در ارتباط است. ازدواج دیررس باعث کاهش سال‌های قابلیت زناشویی بارور و انتقال آن به سنینی می‌شود که قابلیت باروری کمتر است.

مقایسه‌ی توزیع نسبی زنان گروه‌های قومی بر حسب سن ازدواج نشان می‌دهد که در هر دو گروه هم‌دوره‌ی ازدواج درصدی قابل‌توجه از زنان در سنین زیر ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند. با این‌حال، ازدواج در سنین ۱۹-۱۵ سال از عمومیتی بیشتر برخوردار بوده است. در طول زمان بر نسبت درصد افرادی که در سنین ۲۰ و بالاتر ازدواج کرده‌اند افزوده شده است، به‌طوری که به ترتیب ۵۱/۳ درصد و ۴۹/۶ درصد زنان کُرد و تُرک متعلق به مزدوجین هم‌دوره‌ی اخیرتر کسانی هستند که در این گستره‌ی سنی ازدواج کرده‌اند. چون در الگوهای سنتی خانواده یکی از هدف‌های اصلی و مهم زودرسی ازدواج فرزندآوری بود، افزایش سن ازدواج

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۶۷

می‌تواند ترجمان تغییر در اهداف و تمایلات فرزندآوری باشد (عبّاسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴: ۳۹). بنابراین انتظار می‌رود زنانی که در سنین بالاتر ازدواج کرده‌اند باروری پایین‌تری داشته باشند.

ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری

تغییرات خانواده تحت تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی به تغییر در نگرش‌ها و ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری منجر می‌شود. به باور ما تغییرات اندیشه‌ای در زمینه‌ی ازدواج و فرزندآوری در طول زمان، نقشی تعیین‌کننده در هم‌گرایی باروری گروه‌های قومی طی سال‌های اخیر داشته است. یکی از ابعاد تغییرات نگرشی در جامعه‌ی مورد مطالعه، تغییر نگرش نسبت به ازدواج‌های فامیلی است. به نظر می‌رسد کاهش باروری در شرایطی اتفاق افتاده است که ترتیبات خانوادگی درباره‌ی ماهیت روابط خویشاوندی تغییر کرده است. گرچه تمایل به ازدواج‌های خویشاوندی فرزندان دختر و پسر در میان زنان کُرد متعلق به هر دو گروه هم‌دوره‌ی ازدواج بیشتر از نسبت‌های متناظر در میان تُرک‌هاست (جدول ۴)، اما در هر دو گروه قومی تمایلی فراوان برای ازدواج دختران و پسران با افراد غیر خویشاوند وجود دارد. علاوه بر این، تغییرات مشاهده‌شده در نگرش زنان کُرد نسبت به ازدواج خویشاوندی در طول زمان محسوس نیست. با وجود این، تفاوت‌هایی بسیار در نگرش زنان تُرک متعلق به گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج در زمینه‌ی ازدواج با افراد فامیل وجود دارد.

تفاوت‌های قومی در میانگین سن ازدواج و تغییرات آن در طول زمان و نیز نگرش زنان نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران یکی از عوامل مؤثر بر سطوح و روندهای باروری و نیز تفاوت‌های قومی باروری در آینده خواهد بود. در این مطالعه، از پاسخ‌گویان در مورد حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران سؤال شد. در هر دو گروه قومی نگرش پاسخ‌گویان با رفتار ازدواجی آن‌ها متفاوت است. به بیان دیگر، زنان هر دو گروه قومی حداقل سن ازدواج بالاتری برای دختران نسبت به میانگین سن ازدواج خود پیشنهاد کرده‌اند. حداقل سن ازدواج پیشنهادشده توسط زنان در میان مزدوجین هم‌دوره‌ی هر دو گروه قومی دیده می‌شود، اما حداقل سن مناسب پیشنهادشده در میان تُرک‌ها تا اندازه‌ای بالاتر از ارقام متناظر در میان کُردهاست. بر اساس داده‌های جدول (۴) توافق زیادی در میان گروه‌های هم‌دوره‌ی قدیمی‌تر و اخیرتر ازدواج درباره‌ی سن مناسب ازدواج برای دختران و پسران وجود دارد. هم‌دوره‌های قدیمی‌تر در هر دو گروه قومی انتظار ندارند که دخترانشان در سنین پایین‌تر ازدواج کنند.

یکی دیگر از ابعاد تغییرات نگرشی در میان زنان گروه‌های قومی، نگرش آن‌ها نسبت به اولویت ازدواج یا ادامه‌ی تحصیل دختران می‌باشد. به نظر می‌رسد تفاوت‌های قومی در سوگیری جنسیتی نسبت به سوادآموزی و

کسب تحصیلات بالاتر می‌تواند به تفاوت‌های قومی در رفتار و تمایلات فرزندآوری زنان منجر شود. جی‌چو و دیگران (۱۹۷۰) بر این باورند که تحصیلات، یک شاخص مستقیم و قدرت‌مند از موقعیت زنان است. بنابراین تمایل قوی زنان برای ادامه‌ی تحصیل دختران می‌تواند بر وضعیت و موقعیت زنان در زندگی زناشویی و در نتیجه باروری پایین‌تر آن‌ها تأثیر بگذارد. در مطالعه‌ی حاضر از زنان سؤال شد که اگر دختری دیپلمش را گرفت و قصد ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه را داشت و در عین حال امکان ازدواج برایش فراهم شد، ترجیح می‌دهند دخترشان ازدواج کند یا به ادامه‌ی تحصیل پردازد و در هر صورت (ازدواج یا ادامه‌ی تحصیل) چه دلیلی برای نوع نگرش خود دارند.

جدول (۴) شاخص‌های تغییرات در نگرش‌ها و ایستارهای ازدواج و فرزندآوری

به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج

قومیت				گروه‌های قومی
تُرک		کُرد		
گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج		گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج		
۱۳۷۱-۱۳۸۱	۱۳۷۰ و قبل از آن	۱۳۷۱-۱۳۸۱	۱۳۷۰ و قبل از آن	
				ازدواج فامیلی
				فرزند پسر
۶/۳	۱۲/۳	۱۸/۸	۲۱/۳	خویشاوند
۶۲/۰	۴۹/۹	۴۶/۶	۴۵/۱	غیرخویشاوند
۳۱/۷	۲۲/۸	۳۴/۶	۳۳/۵	فرقی نمی‌کند
				فرزند دختر
۶/۳	۱۲/۳	۱۷/۸	۲۳/۸	خویشاوند
۶۳/۹	۶۴/۹	۴۸/۲	۴۲/۷	غیرخویشاوند
۲۹/۸	۲۲/۸	۳۴/۰	۳۳/۵	فرقی نمی‌کند
۲۰/۱	۱۹/۹	۱۹/۵	۱۹/۱	حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران
				اولویت ازدواج یا ادامه‌ی تحصیل دختران
۱۹/۳	۲۶/۹	۲۲/۵	۳۱/۷	ازدواج
۸۰/۷	۷۳/۱	۷۷/۵	۶۸/۳	ادامه‌ی تحصیل
				اشتغال زن در فعالیت‌های خارج از منزل
۶۵/۲	۵۵/۶	۴۸/۹	۴۵/۷	موافق
۳۴/۸	۴۴/۴	۵۱/۱	۵۴/۳	مخالف
				منافع فرزندان
۱۳/۷	۸/۴	۱۲/۴	۱۳/۵	سنتی
۸۶/۳	۹۱/۶	۸۷/۶	۸۶/۵	مدرن

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۶۹

ادامه‌ی جدول (۴) شاخص‌های تغییرات در نگرش‌ها و ایستارهای ازدواج و فرزندآوری
به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج

قومیت				گروه‌های قومی
تُرک		کُرد		
گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج		گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج		
۱۳۷۱-۱۳۸۱	۱۳۷۰ و قبل از آن	۱۳۷۱-۱۳۸۱	۱۳۷۰ و قبل از آن	گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج
				ارزش‌های خانوادگی بزرگ
۲۵/۰	۳۸/۵	۳۲/۴	۵۷/۱	موافق
۷۵/۰	۶۱/۵	۶۷/۶	۴۲/۹	مخالف
				فاصله‌گذاری مناسب بین موالید (سال)
۲۵/۹	۴۶/۸	۲۲/۵	۳۲/۷	۳-۱
۵۱/۲	۳۸/۶	۵۲/۴	۵۳/۷	۶-۳/۵
۲۲/۹	۱۴/۶	۲۵/۱	۱۳/۶	۷ و بالاتر

نتایج نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی و در میان تمام گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج، زنان بیشتر ادامه‌ی تحصیل را بر ازدواج ترجیح می‌دهند. علاوه بر این، نگرش‌ها در طول زمان بهبود یافته است زیرا نسبت درصد زنانی که ازدواج را بر ادامه‌ی تحصیل ترجیح می‌دهند در هر دو گروه قومی و در هر دو گروه هم‌دوره‌ی ازدواج کاهش یافته است. به‌طور کلی، در جامعه‌ی مورد مطالعه حتی در میان هم‌دوره‌های قدیمی‌تر که عمدتاً بی‌سواد یا کم‌سوآند، تحصیلات باارزش است. عبّاسی شوازی و هم‌کاران (۲۰۰۳: ۱۸) این وضعیت را به‌عنوان شاخصی از تغییرات اندیشه‌ای قلمداد می‌کند. بیشتر زنان در هر دو گروه قومی و در هر دو گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج بر این باورند که یک دختر باید تحصیلاتش را ادامه بدهد تا فرصتی مناسب‌تر برای ازدواج پیدا کند. بعد از آن، یافتن شغل مناسب مهم‌ترین دلیل زنان است. مقایسه‌ی بین گروهی دلایل ارایه‌شده برای اولویت ازدواج بر ادامه‌ی تحصیل نیز واقعیت‌های دیگر را آشکار می‌سازد. بیشتر زنان کُرد دارای ارزش‌های جنسیتی سنتی هستند. آن‌ها به دو دلیل عمده‌ی پیدا نشدن موقعیت مناسب‌تر ازدواج و این‌که وظیفه‌ی اصلی زن خانه‌داری است، ازدواج را بر ادامه‌ی تحصیل دختران ترجیح می‌دهند. با این‌حال، حدود ۲۸ درصد زنان کُرد متعلق به مزدوجین هم‌دوره‌ی ۱۳۷۱-۱۳۸۱ بر این باورند که ضمن ازدواج هم می‌توان ادامه‌ی تحصیل داد. در مقابل، ارزش‌های جنسیتی سنتی در میان تُرک‌ها کم‌تر رایج است. درصدی اندک از آن‌ها بر این باورند که وظیفه‌ی اصلی زن خانه‌داری است، در عین حال بیشتر آن‌ها معتقدند که ضمن ازدواج هم می‌توان ادامه‌ی تحصیل داد.

مطالعه‌ی رابطه‌ی متقابل بین اشتغال زنان و باروری یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های مطالعه در تحقیقات باروری به‌ویژه در کشورهای اروپای شمالی بوده است (ویکات، ۲۰۰۴؛ برنارد، ۱۹۹۳). اغلب این‌گونه استدلال می‌شود که مشارکت زنان در نیروی کار و افزایش میزان اشتغال آن‌ها به‌طور معکوس باعث تغییر در رفتار تولیدمثل‌شان می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود زنانی که نگرشی مساعد نسبت به مشارکت زن در فعالیت‌های خارج از منزل دارند، در مقایسه با آن‌هایی که بیشتر مخالف اشتغال زن هستند باروری پایین‌تری داشته باشند. داده‌های جدول (۴) گویای آن است که تفاوت‌هایی معنادار در ایستارهای زنان کُرد و تُرک نسبت به اشتغال زن در فعالیت‌های خارج از منزل وجود دارد. نسبت درصد زنان تُرک موافق در هر دو گروه هم‌دوره‌ی ازدواج بیشتر از نسبت‌های متناظر در میان کُردهاست. با این حال، افزایش نسبت درصد زنان موافق از گروه‌های هم‌دوره‌ی قدیمی‌تر به گروه‌های هم‌دوره‌ی جدیدتر، بیان‌گر افزایش سطح برابری جنسیتی در جامعه‌ی مورد مطالعه است. مطالعه‌ی توزیع نسبی زنان گروه‌های قومی بر حسب نگرش نسبت به منافع فرزندان نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی، نسبت درصد زنانی که نگرش سنتی نسبت به منافع فرزندان دارند پایین است. با این حال در طول زمان، نگرش‌های مُدرن نسبت به منافع فرزندان در میان کُردها، هرچند نامحسوس، افزایش یافته و در مقابل بر نسبت درصد زنان دارای نگرش‌های سنتی نسبت به منافع فرزندان در میان تُرک‌ها افزوده شده است. تمایل به داشتن خانواده‌های بزرگ و پُر حجم که ریشه در ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جوامع دارد، یکی دیگر از تعیین‌کننده‌های باروری به‌ویژه در جوامعی است که در حال تجربه‌ی گذار باروری هستند. طالب و گودرزی (۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۴۰) در مطالعه‌ی تغییرات جمعیتی در میان بلوچ‌ها و غیربلوچ‌ها در استان سیستان و بلوچستان نشان دادند که تمایل به داشتن خانواده‌های پُر فرزند یکی از دلایل باروری بالای بلوچ‌ها در مقایسه با غیربلوچ‌ها بوده است. عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۵: ۴۶-۴۵) نیز بر این باورند که حاکمیت هنجارهای سنتی در میان گروه قومی کُرد یکی از دلایل باروری بالای کُردها در مقایسه با سایر گروه‌های قومی از جمله تُرک‌ها می‌باشد. بر اساس داده‌های جدول (۴)، میانگین نمره‌ی شاخص ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ در میان کُردها بیشتر از تُرک‌هاست. زنان کُرد در مقایسه با زنان تُرک ارزشی بیشتر برای خانواده‌های بزرگ و پُر حجم قایل هستند. در واقع، می‌توان گفت که در مورد ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ توافق وجود ندارد و نگرش قطبی حاکم است. با این حال، در طول زمان از نسبت زنان موافق با ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ در هر دو گروه قومی کاسته شده است، هرچند سرعت تغییرات در میان کُردها بیشتر از تُرک‌هاست.

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۷۱

فاصله‌گذاری بین موالید آخرین متغیری است که مطالعه شد. تصمیم‌هایی که زوجها در مورد شمار سال‌های لازم برای فاصله‌گذاری بین فرزندان می‌گیرند در میزان باروری آن‌ها مؤثر خواهد بود. بدون شک، تفاوت‌های قومی در نگرش نسبت به فاصله‌گذاری بین موالید به تفاوت‌های قومی در استفاده از وسایل پیش‌گیری از حاملگی، مدت استفاده از روش‌های پیش‌گیری، شیردهی و به‌طور کلی سایر تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری منجر خواهد شد. داده‌ها از تفاوت‌های قومی در نگرش نسبت به فاصله‌گذاری مناسب بین موالید در گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج حکایت دارد. علاوه بر این، در هر دو گروه قومی و در طول زمان، نوعی گرایش به فاصله‌گذاری بیشتر بین موالید دیده می‌شود و در مقابل، از سهم نسبی زنانی کاسته شده است که معتقد به فاصله‌های ۱ تا ۳ سال به عنوان فاصله‌ی مناسب بین تولدها هستند.

میانگین و شمار فرزندان ایده‌آل برای یک زوج

هر پدر و مادری دارای باورها و ایده‌آل‌هایی درباره‌ی بُعد خانواده و حتی شمار فرزندان دختر یا پسری است که می‌خواهند داشته باشند. اندازه‌ی ایده‌آل و مورد دل‌خواه خانواده نزد زوجین تأثیری تعیین‌کننده بر باروری خواهد داشت. یافته‌های عباسی شوازی و هم‌کاران (۱۳۸۳: ۲۹) گویای آن است که تفاوت‌هایی معنادار در نگرش زنان گروه‌های قومی نسبت به تعداد ایده‌آل فرزند، هم در زمان ازدواج و هم در زمان تحقیق، وجود داشته است. حسینی (۱۳۸۳: ۱۹۱-۱۸۷) نشان داد که نگرش زنان کُرد و تُرک نسبت به شمار ایده‌آل فرزند برای یک خانواده‌ی روستایی با هم متفاوت است. جدول (۵) میانگین شمار ایده‌آل فرزند را در زمان ازدواج و تحقیق به تفکیک گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج و قومیت نشان می‌دهد.

جدول (۵) میانگین شمار فرزندان ایده‌آل در زمان ازدواج و تحقیق به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج

میانگین شمار فرزندان ایده‌آل در زمان	گروه‌های		گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج
	ازدواج	هم‌دوره‌ی ازدواج	
تحقیق	ازدواج	هم‌دوره‌ی ازدواج	گروه‌های قومی
۲/۳	۳/۵	۱۳۷۰ و قبل از آن	کُرد
۲/۱	۲/۳	۱۳۷۱-۱۳۸۱	
۲/۰	۲/۴	۱۳۷۰ و قبل از آن	تُرک
۱/۹	۲/۰	۱۳۷۱-۱۳۸۱	

میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هر دو گروه قومی در زمان تحقیق کم‌تر از میانگین‌های متناظر در زمان ازدواج است. از طرف دیگر، تفاوت شمار فرزندان ایده‌آل زنان کُرد در زمان ازدواج و تحقیق، بیشتر از تفاوت‌های متناظر در میان زنان تُرک است. به بیان دیگر، تغییرات صورت‌گرفته در نگرش زنان کُرد در راستای خانواده‌های کوچک و کم‌حجم به مراتب بیشتر از تغییرات به‌وجودآمده در میان زنان تُرک می‌باشد. داده‌ها به‌وضوح بیان‌گر تغییر نگرش‌ها و ایده‌آل‌های زنان گروه‌های قومی، به‌ویژه کُردها، در مورد فرزندآوری در طول دوران تولیدمثل است. در طول زمان، تمایل کُردها به داشتن خانواده‌های کوچک و کم‌حجم بیشتر شده است.

توزیع نسبی زنان بر حسب شمار فرزندان ایده‌آل در زمان تحقیق تفاوت‌هایی معنادار در میان گروه‌های قومی و گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول (۶)، در هر دو گروه قومی بیشتر زنان ۲ فرزند را به‌عنوان شمار فرزندان ایده‌آل برای یک زوج می‌دانند، هرچند ۲۰ تا ۲۹ درصد زنان کُرد داشتن ۳ فرزند یا بیشتر را ایده‌آل دانسته‌اند. از طرف دیگر، تغییراتی چشم‌گیر در بُعد مطلوب خانوار در میان مزدوجین هم‌دوره به‌ویژه در میان تُرک‌ها دیده نمی‌شود. در نهایت این‌که، درصدی نسبتاً بالا از زنان کُرد متعلق به هر دو گروه هم‌دوره‌ی ازدواج، یک فرزند را به‌عنوان تعداد ایده‌آل فرزند برای یک زوج می‌دانند. بر این اساس، می‌توان گفت که کاهش باروری در میان کُردها در آینده استمرار خواهد یافت. به‌طور کلی، این داده‌ها بیان‌گر تغییرات اندیشه‌ای در میان گروه‌های قومی است، زیرا در زمینه‌ی شمار فرزندان ایده‌آل در میان گروه‌های هم‌دوره‌ی قدیمی‌تر و جوان‌تر شباهت‌هایی بسیار وجود دارد. تمایل والدین برای داشتن شمار معین فرزند به‌طرزی چشم‌گیر می‌تواند روندهای باروری و در نهایت بُعد نهایی خانوار را تحت تأثیر قرار دهد. اصولاً، تفاوت‌های قومی در شمار مطلوب و دل‌خواه فرزندان به تفاوت‌های قومی در استفاده از روش‌های پیش‌گیری از حاملگی و تنظیم خانواده و در نتیجه باروری منجر خواهد شد.

جدول (۶) توزیع نسبی شمار فرزندان ایده‌آل در زمان تحقیق

به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج

گروه‌های قومی	هم‌دوره‌ی ازدواج	شمار فرزندان ایده‌آل برای یک زوج		
		۱	۲	۳
کُرد	۱۳۷۰ و قبل از آن	۱۲/۹	۵۸/۳	۲۸/۸
	۱۳۷۱-۱۳۸۱	۱۶/۴	۶۳/۵	۲۰/۱
تُرک	۱۳۷۰ و قبل از آن	۸/۳	۸۳/۹	۷/۷
	۱۳۷۱-۱۳۸۱	۱۳/۴	۸۰/۲	۶/۴

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۷۳

تمایلات فرزندآوری و باروری ایده‌آل

تمایلات فرزندآوری زنان یکی دیگر از تعیین‌کننده‌های باروری است که با واسطه و از طریق تأثیر بر تعیین‌کننده‌هایی بلافصل چون استفاده از وسایل پیش‌گیری از حاملگی، بر باروری تأثیر می‌گذارد. در این مطالعه از پاسخ‌گویان سؤال شد که آیا علاوه بر شمار فرزندان که الان دارید می‌خواهید فرزندی دیگر داشته باشید. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی بیشتر زنان تمایل ندارند که فرزندآوری را ادامه دهند. گرچه این درصد در میان زنان متعلق به مزدوجین هم‌دوره‌ی ۱۳۷۰ و قبل از آن بیشتر از مزدوجین هم‌دوره‌ی اخیرتر است، اما این ناشی از این واقعیت است که گروه‌های هم‌دوره‌ی قدیمی‌تر تا زمان مطالعه به شمار فرزندان مطلوب و دل‌خواه خود دست یافته‌اند.

جدول (۷) توزیع نسبی زنان متمایل به فرزندآوری به تفکیک

تعداد فرزند ایده‌آل، قومیت و محل سکونت

قومیت مزدوجین هم‌دوره	تمایل به فرزندآوری		تعداد فرزند ایده‌آل زنانه که تمایل به فرزندآوری ندارند		
	دارد	ندارد	۱	۲	۳
کُرد ۱۳۷۰ و قبل از آن ۱۳۷۱-۱۳۸۱	۴/۳	۹۵/۷	۱۳/۵	۵۸/۳	۲۷/۷
	۳۹/۶	۶۰/۴	۲۶/۸	۵۸/۹	۱۴/۳
تُرک ۱۳۷۰ و قبل از آن ۱۳۷۱-۱۳۸۱	۸/۲	۹۱/۸	۹/۱	۸۵/۷	۵/۲
	۳۷/۴	۶۲/۶	۱۹/۲	۷۷/۵	۳/۳

در میان زنانی که تمایلی به فرزندآوری ندارند، در هر دو گروه قومی و در هر دو گروه هم‌دوره‌ی ازدواج بیشترین نسبت آن‌هایی هستند که ایده‌آل آن‌ها داشتن دو فرزند است. نکته‌ی دیگر این است که نسبتی قابل توجه از زنان کُرد که تمایل به فرزندآوری ندارند کسانی هستند که داشتن یک فرزند را برای یک زوج در زمان ازدواج ایده‌آل می‌دانستند. به این ترتیب، می‌توان گفت که ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین به تدریج و در طول زمان در میان زنان گروه‌های قومی نهادینه شده است و انتظار می‌رود روندهای نزولی باروری به‌ویژه در بین کُردها هم‌چنان استمرار داشته باشد.

تجزیه و تحلیل چندمتغیره

به منظور مطالعه تفاوت‌های قومی در ایده‌آل‌ها و رفتار باروری، از تکنیک تحلیل طبقه‌بندی چندگانه استفاده کردیم (جدول ۸). ستون مربوط به میانگین تعدیل‌نشده، میانگین مشاهده‌شده‌ی متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. در مقابل، ستون‌هایی که با عنوان مدل ۱ و ۲ مشخص شده است، میانگین‌های مورد انتظار متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد که با استفاده از معادله‌های تحلیل طبقه‌بندی چندگانه و با تعدیلی برآورده شده که بر مبنای سایر متغیرهای موجود در هر معادله صورت پذیرفته است. در مدل (۱)، تعدیل و برآورد میانگین‌های مورد انتظار ایده‌آل‌ها و رفتار باروری بر اساس شاخص‌های عملیاتی‌کننده‌ی تغییرات اندیشه‌ای با کنترل متغیر قومیت صورت گرفته است، در حالی که در مدل (۲) متغیرهای سواد و تحصیلات زنان و سن هنگام ازدواج به مجموعه‌ی متغیرهای مدل (۱) اضافه شده است.

همان‌طور که از داده‌های جدول (۸) برمی‌آید، در بیشتر موارد جهت تأثیر متغیرها و شاخص‌های تغییرات اجتماعی و نگرشی در راستای انتظار ماست. برای مثال زنانی که موافق ازدواج دخترشان با یکی از افراد فامیل هستن؛ حداقل سن مناسب ازدواج برای دخترشان را کمتر از ۲۰ سال گزارش کرده‌اند، ازدواج را بر ادامه‌ی تحصیل دختران ترجیح می‌دهند، مخالف اشتغال زن در فعالیت‌های خارج از منزل هستند، موافق ارزش‌های خانوادگی بزرگ هستند، فاصله‌های ۱ تا ۳ سال را به‌عنوان فاصله‌ی مناسب بین دو تولد متوالی پیشنهاد کرده‌اند، بی‌سواد یا از سطح تحصیلاتی پایین‌تر برخوردارند و بالاخره این‌که در سنین پایین‌تری هم ازدواج کرده‌اند، بیشتر از باروری زنان در سایر طبقات متغیرهای مستقل است. نکته‌ی مهم دیگر، هم‌گرایی ایده‌آل‌های باروری زنان به سمت باروری پایین است. بر اساس داده‌های جدول (۸)، ایده‌آل‌های باروری زنان با ویژگی‌های متفاوت، در زمان مطالعه نسبتاً مشابه و دامنه‌ی تفاوت میانگین‌های این متغیر چندان زیاد نیست. بر اساس مطالعه‌های صورت‌گرفته (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۱۶)، تفاوت‌های قومی در باروری با گذشت زمان محدودتر شده و زنان کُرد و تُرک در سال‌های میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۸۰ به نوعی هم‌گرایی باروری دست‌یافته‌اند. یکی از عوامل و زمینه‌های این هم‌گرایی، همان‌طور که ذکر کردیم، تغییرات در ایستارها و نگرش‌های باروری زنان در راستای خانواده‌های کوچک و کم‌حجم است.

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۷۵

جدول (۸) تحلیل طبقه‌بندی چندگانه‌ی رفتار و ایده‌آل‌های باروری

میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هنگام بررسی			میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هنگام ازدواج			متوسط زنده‌زایی			حجم نمونه	شاخص‌های تغییرات اجتماعی و نگرشی
مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده		
۲/۱۳	۲/۱۷	۲/۳۲	۲/۸۳	۲/۷۸	۳/۰۳	۲/۸۴	۳/۰۶	۳/۲۴	۱۰۲	ازدواج‌های خویشاوندی دختران خویشاوند غیرخویشاوند فرقی نمی‌کند Eta / Beta Sig
۲/۱۳	۲/۱۲	۲/۱۰	۳/۱۳	۳/۱۵	۳/۰۳	۲/۷۷	۲/۷۰	۲/۶۱	۳۹۷	
۲/۳۱	۲/۳۲	۲/۳۴	۴/۳۲	۴/۳۱	۴/۴۲	۲/۶۳	۲/۶۸	۲/۷۶	۲۱۶	
-/۰۰۷۷	-/۰۰۷۹	-/۰۰۹۷	-/۰۰۶۱	-/۰۰۶۰	-/۰۰۶۷	-/۰۰۴۴	-/۰۰۷۷	-/۱۱۲۴		
-/۱۱۱۷	-/۱۰۰۴		-/۲۸۱	-/۲۷۷		-/۳۵۱	-/۰۰۹			
۲/۲۳	۲/۲۱	۲/۱۶	۳/۷۱	۳/۶۳	۳/۵۳	۲/۷۷	۲/۶۷	۲/۵۸	۴۳۷	حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران ۲۰ سال و بیشتر کم‌تر از ۲۰ سال Eta / Beta Sig
۲/۱۲	۲/۱۶	۲/۳۳	۳/۰۳	۳/۱۷	۳/۳۲	۲/۶۸	۲/۸۷	۳/۰۰	۲۷۸	
-/۰۰۴۸	-/۰۰۲۳	-/۰۰۳۰	-/۰۰۳۴	-/۰۰۲۳	-/۰۰۱۰	-/۰۰۲۵	-/۰۰۵۷	-/۱۱۲۰		
-/۲۱۵	-/۵۴۸		-/۳۸۹	-/۵۴۶		-/۴۲۶	-/۱۱۱۶			
۲/۱۱	۲/۱۲	۲/۱۰	۳/۳۰	۳/۲۸	۳/۲۴	۲/۶۶	۲/۶۴	۲/۵۸	۵۳۸	اواریت ازدواج یا ادامه تحصیل دختران ادامه تحصیل ازدواج Eta / Beta Sig
۲/۴۱	۲/۴۱	۲/۴۶	۳/۸۹	۳/۹۵	۴/۰۸	۲/۹۶	۳/۰۷	۳/۲۴	۱۷۷	
-/۱۱۱۶	-/۱۱۱۵	-/۱۱۴۲	-/۰۰۲۷	-/۰۰۳۰	-/۰۰۳۸	-/۰۰۷۸	-/۱۱۰	-/۱۱۶۷		
-/۰۰۰۲	-/۰۰۰۲		-/۴۹۲	-/۴۳۲		-/۰۰۱۴	-/۰۰۰۲			

ادامه‌ی جدول (۸) تحلیل طبقه‌بندی چندگانه‌ی رفتار و ایده‌آل‌های باروری

میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هنگام بررسی			میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هنگام ازدواج			متوسط زنده‌زایی			حجم نمونه	شاخص‌های تغییرات اجتماعی و نگرشی
مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده		
۲/۱۹	۲/۲۴	۲/۲۶	۳/۵۱	۳/۵۰	۳/۵۸	۲/۷۴	۲/۹۳	۳/۰۲	۳۲۴	اشتغال زن در فعالیتهای خارج از منزل مخالف موافق Eta / Beta Sig
۲/۱۸	۲/۱۵	۲/۱۳	۳/۳۹	۳/۴۱	۳/۳۴	۲/۷۳	۲/۵۹	۲/۵۲	۳۹۱	
-/۰۰۳	-/۰۴۱	-/۰۵۶	-/۰۰۶	-/۰۰۵	-/۰۱۲	-/۰۰۴	-/۱۰۱	-/۱۴۶		
-/۹۳۰	-/۲۷۰		-/۸۸۴	-/۹۰۰		-/۸۹۳	-/۰۰۵			
۲/۱۶	۲/۱۶	۲/۱۵	۳/۴۱	۳/۴۲	۳/۴۰	۲/۷۷	۲/۷۷	۲/۷۶	۵۲۵	منافع فرزندان مدرن سنتی Eta / Beta Sig
۲/۴۰	۲/۴۰	۲/۴۶	۳/۶۶	۳/۶۱	۳/۸۱	۲/۴۹	۲/۵۴	۲/۶۸	۹۰	
-/۰۷۵	-/۰۷۳	-/۰۹۳	-/۰۰۸	-/۰۰۷	-/۰۱۴	-/۰۵۵	-/۰۴۶	-/۰۱۵		
-/۰۴۴	-/۰۵۱		-/۸۲۵	-/۸۶۳		-/۰۷۱	-/۱۶۹			
۲/۲۴	۲/۲۸	۲/۳۲	۴/۶۴	۴/۵۸	۴/۶۲	۳/۰۵	۳/۲۷	۳/۳۵	۲۶۷	ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ موافق مخالف Eta / Beta Sig
۲/۱۵	۲/۱۴	۲/۱۱	۲/۷۳	۲/۷۷	۲/۷۵	۲/۵۵	۲/۴۳	۲/۳۹	۲۴۸	
-/۰۴۰	-/۰۶۳	-/۰۹۵	-/۰۹۶	-/۰۹۱	-/۰۹۴	-/۱۴۲	-/۲۴۰	-/۲۷۶		
-/۲۹۲	-/۰۹۳		-/۰۱۵	-/۰۱۷		-/۰۰۰	-/۰۰۰			
۲/۳۰	۲/۳۱	۲/۳۴	۳/۹۱	۳/۹۲	۳/۹۸	۳/۰۱	۳/۰۴	۳/۱۴	۲۲۶	فاصله‌ی مناسب بین دو تولد متوالی (سال) ۳-۱ ۶-۳/۵ ۷ و بیشتر Eta / Beta Sig
۲/۱۶	۲/۱۶	۲/۱۶	۲/۸۶	۲/۸۱	۲/۸۴	۲/۷۲	۲/۷۲	۲/۷۱	۳۴۸	
۲/۰۷	۲/۰۷	۲/۰۳	۴/۱۴	۴/۲۷	۴/۱۱	۲/۳۳	۲/۳۵	۲/۲۱	۱۴۱	
-/۰۷۹	-/۰۸۰	-/۱۰۳	-/۰۶۰	-/۰۶۶	-/۰۶۲	-/۱۴۱	-/۱۴۴	-/۱۹۴		
-/۱۰۸	-/۱۰۵		-/۲۸۹	-/۲۱۷		-/۰۰۰	-/۰۰۰			

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۷۷

ادامه‌ی جدول (۸) تحلیل طبقه‌بندی چندگانه‌ی رفتار و ایده‌آل‌های باروری

میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هنگام بررسی			میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هنگام ازدواج			متوسط زنده‌زایی			حجم نمونه	شاخص‌های تغییرات اجتماعی و نگرشی
مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده		
۲/۳۰	۲/۳۱	۲/۳۴	۳/۹۱	۳/۹۲	۳/۹۸	۳/۰۱	۳/۰۴	۳/۱۴	۲۲۶	فاصله‌ی مناسب بین دو تولد متوالی (سال) ۳-۱ ۶-۳/۵ ۷ و بیشتر Eta / Beta Sig
۲/۱۶	۲/۱۶	۲/۱۶	۲/۸۶	۲/۸۱	۲/۸۴	۲/۷۲	۲/۷۲	۲/۷۱	۳۴۸	
۲/۰۷	۲/۰۷	۲/۰۳	۴/۱۴	۴/۲۷	۴/۱۱	۲/۳۳	۲/۳۵	۲/۲۱	۱۴۱	
-/۰۰۶۹	-/۰۰۸۰	-/۰۰۱۰۳	-/۰۰۶۰	-/۰۰۶۶	-/۰۰۶۲	-/۰۰۱۴۱	-/۰۰۱۴۴	-/۰۰۱۹۴		
-/۰۰۱۰۸	-/۰۰۱۰۵		-/۰۰۲۸۹	-/۰۰۲۱۷		-/۰۰۰۰۰	-/۰۰۰۰۰			
۲/۳۵		۲/۴۰	۴/۶۹		۴/۷۱	۳/۵۹		۳/۷۲	۲۶۳	سواد و تحصیلات بی‌سواد ابتدایی راهنمایی یا متوسطه دیپلم و بالاتر Eta / Beta Sig
۲/۱۹		۲/۱۵	۳/۱۷		۳/۳۳	۲/۶۷		۲/۶۲	۲۱۲	
۲/۰۸		۲/۰۳	۳/۴۷		۳/۱۱	۱/۷۷		۱/۷۸	۱۴۴	
۱/۹۰		۱/۹۱	۲/۱۰		۲/۰۳	۱/۹۷		۱/۶۸	۲۲	
-/۰۰۱۴۱		-/۰۰۱۶۴	-/۰۰۰۹۶		-/۰۰۰۹۹	-/۰۰۰۴۳۳		-/۰۰۰۴۹۳		
-/۰۰۰۰۷		-/۰۰۰۰۹۲	-/۰۰۰۰۹۲		-/۰۰۰۰۰۰۰	-/۰۰۰۰۰۰۰		-/۰۰۰۰۰۰۰		
۲/۱۶		۲/۲۹	۴/۰۸		۴/۰۱	۳/۶۹		۴/۰۹	۶۹	سن ازدواج کم‌تر از ۱۵ ۱۹-۱۵ ۲۴-۲۰ ۲۵ و بالاتر Eta / Beta Sig
۲/۱۵		۲/۱۵	۳/۰۴		۳/۲۵	۲/۹۱		۲/۸۶	۳۴۰	
۲/۲۹		۲/۲۶	۲/۹۲		۲/۹۳	۲/۳۹		۲/۳۹	۲۱۵	
۲/۰۸		۲/۰۷	۲/۴۵		۲/۷۹	۲/۱۸		۲/۰۳	۸۷	
-/۰۰۰۰۶۵		-/۰۰۰۰۶۵	-/۰۰۰۰۶۵		-/۰۰۰۰۵۸	-/۰۰۰۰۲۵۰		-/۰۰۰۰۳۱۵		
-/۰۰۰۰۳۸۱			-/۰۰۰۰۴۰۵			-/۰۰۰۰۰۰۰				

داده‌های جدول (۹) نشان می‌دهد که قبل از این که تعدیلی (مدل تعدیل نشده) بر مبنای متغیرهای مورد مطالعه صورت بگیرد، تفاوت باروری زنان کُرد و تُرک بیشتر از یک فرزند است. علاوه بر این، نسبت همبستگی قومیت و باروری نیز بالاست. با کنترل اثر ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری (مدل ۱ در جدول ۹) تفاوت باروری گروه‌های قومی به کمتر از یک فرزند رسید و از نسبت همبستگی قومیت و باروری نیز به میزان ۸/۲ درصد کاسته شد. با توجه به تأثیر تعیین‌کننده‌ی تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده بر الگوها و رفتارهای باروری (عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴)، انتظار بر این است که با کنترل اثر سواد و تحصیلات زنان و سن هنگام ازدواج، تفاوت‌های قومی در باروری به حداقل برسد و از شدت همبستگی بین قومیت و باروری نیز بیشتر کاسته شود. نتایج به‌دست‌آمده در مدل ۲ مطابق با انتظار ماست. با کنترل اثر این متغیرها، نه تنها تفاوت باروری زنان گروه‌های قومی به حداقل رسید، بلکه از نسبت همبستگی بین قومیت و باروری کاسته شد و مقدار واریانس تبیین‌شده نیز افزایش پیدا کرد.

جدول (۹) تحلیل طبقه‌بندی چندگانه‌ی ایده‌آل‌ها و رفتار باروری به تفکیک قومیت

میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هنگام مطالعه			میانگین شمار فرزندان ایده‌آل هنگام ازدواج			متوسط زنده‌زایی			حجم نمونه	
مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده		
۲/۲۲	۲/۲۳	۲/۲۴	۳/۹۶	۳/۹۱	۳/۹۶	۲/۹۶	۳/۲۵	۳/۳۱	۳۴۷	قومیت کُرد
۲/۱۵	۲/۱۵	۲/۱۴	۲/۹۶	۳/۰۱	۲/۹۶	۲/۵۳	۲/۲۷	۲/۲۱	۳۶۸	قومیت تُرک
-۰/۰۷	-۰/۰۸	-۰/۱	۱	-۰/۹	۱	-۰/۴۳	-۰/۹۸	۱/۱		تفاوت‌ها
-۰/۰۳۶	-۰/۰۳۳	-۰/۰۵۰	-۰/۰۵۲	-۰/۰۴۷	-۰/۰۵۲	-۰/۱۲۸	-۰/۲۹۳	-۰/۳۱۹		Eta / Beta
۶/۸	۴/۷		۳/۳	۲/۰		۳۸/۱	۲۲/۲			درصد واریانس تبیین‌شده
۳/۱۷۶	۳/۵۰۸		۱/۴۸۷	۱/۴۴۴		۲۵/۶۶۵	۲۰/۱۳۴			آزمون آماری
***	***					***	***			سطح معناداری

*** معنادار در سطح ۰/۰۰۱

نتایج هم‌چنین از هم‌گرایی زنان گروه‌های قومی در میانگین شمار فرزندان ایده‌آل در زمان مطالعه حکایت دارد. ایده‌آل‌های باروری زنان گروه‌های قومی در زمان مطالعه بسیار به هم نزدیک و تفاوت‌ها بسیار نامحسوس است. با کنترل اثر متغیرهای پیش‌بین، دامنه‌ی این تفاوت‌ها محدودتر شده و به حداقل رسیده است (جدول ۹). این یافته‌ها به‌وضوح از اشاعه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین در میان زنان گروه‌های

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۷۹

قومی حکایت دارد. نتایج به‌دست‌آمده از یافته‌های عباسی‌شوازی (۱۳۸۰) مبنی بر هم‌گرایی رفتارهای باروری در ایران را تأیید می‌کند. به این ترتیب می‌توان گفت که امروزه ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین توسط زنان کُرد و تُرک با ویژگی‌های مختلف تقریباً یکسان درک می‌شود.

نتیجه‌گیری

گروه‌های قومی یکی از بسترهای مناسب برای مطالعه‌ی روندهای جمعیت‌شناختی است. تنوع قومی از عناصر کلیدی تغییرات در الگوهای باروری است. از آن‌جا که هنجارهای اجتماعی در پاسخ به روندهای نوسازی و تغییرات جدید محیطی ممکن است به‌کندی تغییر کنند، مطالعه تأثیر این تغییرات بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری در جوامع چندقومی مهم می‌نماید. در ایران فرایند کاهش باروری طی سه دهه‌ی گذشته متناسب با تحولاتی بوده است که در ابعاد سنتی خانواده به‌وقوع پیوسته است. ماهیت نظام خانواده نقشی تعیین‌کننده در ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری، ایده‌آل‌ها و در نهایت رفتار باروری دارد. خانواده در تعامل با سایر اجزای نظام اجتماعی، اصلی‌ترین واحدی است که در آن ایستارها و نگرش‌های مرتبط با ازدواج و فرزندآوری شکل می‌گیرد، تصمیم‌گیری‌های باروری اتخاذ می‌شود و در نهایت صورت عملی و واقعی به‌خود می‌گیرد. در این مقاله ضمن مطالعه‌ی برخی از ابعاد تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده، ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری و تحلیل هم‌گروه رفتار و ایده‌آل‌های باروری گروه‌های قومی به مطالعه‌ی تأثیر تعاملی این متغیرها بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری پرداختیم. نتایج نشان می‌دهد که گروه‌های قومی، سطوح متفاوت اما روندهای باروری مشابهی را در طول زمان تجربه کرده‌اند. تحلیل باروری گروه‌های هم‌دوره‌ی کُرد و تُرک از هم‌گرایی باروری گروه‌های هم‌دوره‌ی اخیرتر ازدواج حکایت دارد. در واقع، زنان جوان‌تر کُرد امروزه بهتر از زنان واقع در سنین انتهایی تولیدمثل، الگوی باروری پایین‌ترک‌ها را منعکس می‌کنند. بر اساس این مطالعه، جهت تأثیر متغیرها و شاخص‌های تغییرات اجتماعی و نگرشی در راستای نتایج تحقیقات پیشین و منطبق با انتظار ماست. نتایج کاربرد تکنیک تحلیل طبقه‌بندی چندگانه نشان داد که با کنترل متغیرها و شاخص‌های تغییرات اجتماعی و نگرشی، نه‌تنها تفاوت‌های قومی در رفتار و ایده‌آل‌های باروری به حداقل رسید، بلکه از نسبت همبستگی بین قومیت و متغیرهای باروری نیز کاسته شد.

این مطالعه هم‌چنین نشان داد که زنان گروه‌های قومی با ویژگی‌های متفاوت، ایده‌آل‌های باروری نسبتاً مشابهی دارند. دامنه‌ی نوسان میانگین شمار فرزندان ایده‌آل زنان گروه‌های قومی در زمان مطالعه بسیار محدود است. نتایج از هم‌گرایی ایده‌آل‌های باروری زنان به سمت باروری پایین حکایت دارد. به‌طور کلی، یافته‌های این مطالعه از نتایج تحقیقات پیشین مبنی بر اشاعه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین و نیز هم‌گرایی باروری گروه‌های قومی در ایران حمایت می‌کند. بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت امروزه در ایران ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین توسط افراد و گروه‌های مختلف قومی با ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی متفاوت به‌طور تقریباً یکسان درک می‌شود.

اگرچه یافته‌ها از هم‌گرایی باروری گروه‌های قومی حکایت دارد، اما این هم‌گرایی لزوماً به معنی محو شدن تمام تفاوت‌ها و دست‌یابی به سطوحی یکسان از باروری در بین گروه‌های قومی نیست. تجربه‌ی کاهش باروری در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی و وضعیت کنونی باروری به‌ویژه در جوامع چندقومی گویای آن است که بایستی در تعمیم این یافته‌ها احتیاط نشان داد. واقعیت این است که کاهش باروری در ایران در بستر برنامه‌ها و سیاست‌های یک‌پارچه‌ی جمعیتی دولت در راستای تنظیم خانواده و کنترل مولید صورت گرفته است. بنابراین، زمانی می‌توان از کاهش نقش قومیت در رفتار و ایده‌آل‌های باروری سخن گفت که گروه‌های قومی با ویژگی‌های فرهنگی متفاوت در معرض سیاست‌های جمعیتی متفاوت قرار بگیرند. تنها در چنین شرایطی است که امکان ارزیابی دقیق‌تر نقش قومیت و تعلق قومی و فرهنگی افراد و خانوارها در تغییرات و تفاوت‌های باروری گروه‌های قومی فراهم می‌شود.

منابع

- بلالی، اسماعیل (۱۳۸۴) بررسی عوامل ساختاری مؤثر بر تحریم اجتماعی اقوام: مطالعه‌ی موردی کُردها و تُرک‌ها، رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- پرنده، پریوش (۱۳۷۲) «بررسی تفاوت‌های استانی در باروری اقوام»، فصلنامه‌ی جمعیت، شماره‌ی ۶-۵، صص ۵۸-۲۷.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۰ الف) «مطالعات توسعه‌ی صنعتی منطقه‌ی آذربایجان: آگاهی از شرایط منطقه و کارایی اقتصادی آن جهت برنامه‌ریزی صنعتی، بخش اول: بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی منطقه و پیش‌بینی روند تحولات آن تا سال ۱۴۰۰ خورشیدی»، وزارت صنایع.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۳) «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی کُردها و تُرک‌ها در مناطق روستایی شهرستان ارومیه»، طرح پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک ۸۱

حسینی، حاتم (۱۳۸۷) «قومیت و باروری: تبیین رفتارهای باروری زنان کُرد و تُرک شهرستان ارومیه»، پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

حسینی، حاتم و امیرھوشنگ مهریار (۱۳۸۵) قومیت، نابرابری آموزشی و باروری، مجله‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره‌ی ۱، صص ۱۶۷-۱۴۱.

زنجانی، حبیب‌الله و محمد باقر ناصری (۱۳۷۵) بررسی تفاوت‌های قومی و تأثیر آن بر میزان باروری زنان ایران، طرح مشترک یونسکو و بخش جمعیت مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

سرایبی، حسن (۱۳۸۵) «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره‌ی، صص ۶۰-۳۷.

صادقی، رسول (۱۳۸۳) قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی.

طالب، مهدی و محسن گودرزی (۱۳۸۲) قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۱، صص ۱۴۲-۱۳، تهران.

عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۸۰) «هم‌گرایی رفتارهای باروری در ایران، میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۸، صص ۲۳۱-۲۰۱.

عباسی شوازی، محمدجلال؛ میمنت حسینی چاووشی؛ پیتر مک‌دونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۳) تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب - معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴) «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۵، صص ۷۵ تا ۲۵.

عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۵) قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۸، صص ۵۸-۲۹.

عباسی شوازی، محمدجلال، حاتم حسینی و تی‌نای‌پنگ (۱۳۸۶) «پویایی توسعه و همگرایی باروری اقوام در ایران - مقاله‌ی ارایه‌شده در چهارمین کنفرانس انجمن جمعیت‌شناسی ایران»، ۱۴ و ۱۵ اسفند ۱۳۸۶، دانشگاه تهران.

عباسی شوازی، محمدجلال و حاتم حسینی (۱۳۸۷) «قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه» نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره‌ی ۴، صص ۴۱-۵.

محمودیان، حسین (۱۳۷۹) «پژوهشی در زمینه‌های نظری و نتایج تجربی مهاجرت و باروری»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۵، صص ۱۶۴-۱۴۷.

ندیم، ابوالحسن و شاکر سالاری‌لک (۱۳۷۹) «روند میزان تولد و بعضی عوامل در ارتباط با باروری در استان آذربایجان غربی»، مجله‌ی بهداشت ایران، سال بیست‌ونهم، شماره‌ی ۴-۱.

Abbasi-Shavazi, M. J., P, McDonald and M, Hosseini-Chavoshi (2003) Changes in family, fertility behavior and attitudes in Iran, Working Paper in Demography, No. 88, Australian National University, Canberra.

- Abbasi-Shavazi, M.J and P, McDonald** (2005) National and provincial level-fertility trends in Iran, 1972-2000, Working Papers in Demography, No. 94, Canberra: Australian National University.
- Abbasi-Shavazi, M.J and P, McDonald** (2006) Fertility decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000, *Asian Population Studies*, 2(3): 217-237.
- Abbasi-Shavazi, M. J., P, McDonald and M, Hosseini-Chavoshi** (2008) Modernization or cultural maintenance: the practice of consanguinous marriage in Iran, *Journal of Biosocial Science*, No. 40, PP: 911-933.
- Abbasi-Shavazi, M.J, and H, Hosseini** (2008) Ethnic fertility differentials in Iran: trends and correlates, paper accepted for presentation in European Population Conference (EPC) 2008, Barcelona 9-12th July.
- Anderson, J.E** (1975) The relationship between change in educational attainment and fertility rates in Taiwan, *Studies in Family Planning*, 6(3): 72-81.
- Andorka, R** (1978) Determinants of fertility in Advanced Societies, Methuen and Co Ltd, London.
- Behende A.A and T, Kanitkar** (1994) Principles of population studies, sixth revised edition, Himalaya Publishing House.
- Bernhardt, E** (1993) Fertility and employment. *European Sociological Review* 9: 25-24.
- Caldwell, J.C** (1978) A theory of fertility: from high plateau to destabilization. *Population and Development Review*, 4: 553-577.
- Cho, Lee, Jay, Wilson, H. Grabil and D.J. Bogue** (1970) Differential current fertility in the United States, Community and Family Study Center, University of Chicago.
- Cleland, J** (2002) Education and future fertility trends, with special reference to mid-transitional countries in: United Nations (2002) Completing the fertility transition, Population Division, Department of Economic and Social Affairs, United Nations, New York.
- Cleland, Jo and G. Rodriguez** (1988) The effect of parental education on marital fertility in developing countries, *Population Studies*, 42(3): 419-442.
- Coale, A.J** (1973) The demographic transition, in International Population Conference, Liege, 1973, 1: 53-72.
- Dreze, J and M, Murthi** (2001) Fertility, education, and development: evidence from India, *Population and Development Review*, 27(1): 33-63.
- Dudley, L., J.R, Poston, C.F, Chang and H, Dan** (2006) Fertility differences between the majority and minority nationality groups in China, *Population Research and Policy Review*, 25: 67-101.
- Fischer, N.A and J.P. Marcum** (1984) Ethnic integration, socioeconomic status and fertility among Mexican_ Americans, *Social Science Quarterly* 65(2): 583-593.
- Freedman, R., T.H, Fan, S.P, Wei and M.B, Weinberger** (1977) Trends in fertility and in the effects of education on fertility in Taiwan, 1961-74, *Studies in Family Planning*, 8(1): 11-18.
- Goldscheider, C and P.R. Uhlenberg** (1969) Minority group status and fertility. *The American Journal of Sociology* Vol. 74: 361-372.
- Graff, H.J** (1979) Literacy, education, and fertility, past and present: a critical review, *Population and Development Review*, 5(1): 105-140.
- Icduygu, A and I, Sirkeci** (1999) Kurdish households versus Turkish households in Turkey, European Population Conference, European Population: Unity in Diversity, The Hague, The Netherlands.

- Jain, A.K** (1981) The effect of female education on fertility: a simple explanation, *Demography*, 18(4): 577-595.
- Johnson, N.E** (1979) Minority group status and the fertility of black Americans 1970: A new look, *American Journal of Sociology* 84(6): 1386-1400.
- Kollehlon, K.T** (1994) Ethnicity and fertility in Liberia: test of the minority group status hypothesis. *Social Biology*, 36(1-2): 67-81.
- Lam, D and S, Duryea** (1999) Effects of schooling on fertility, labor supply and investments in children with evidence from Brazil, *Journal of Human Resources*, 34(1): 160-192.
- Lopez, D.E and G, Sabagh** (1978) Untangling structural and normative aspects of the minority status fertility hypothesis, *American Journal of Sociology*, 83(6): 1491-1497.
- McDonald, P** (2002) Low fertility: unifying the theory and the demography, paper prepared for session 73, Future of fertility in low fertility countries, 2002 Meeting of the Population Association of America.
- McDonald, P** (2000a) Gender equity in theories of fertility transition, *Population and Development Review*, 26(3): 427-439.
- Martin, T.C and F, Juarez** (1995) The impact of women's education on fertility in Latin America: searching for explanations, *International Family Planning Perspectives*, Volume 21(2): 52-80.
- Mehryar, A.H., A, Aghajanian, M, Tabibian and F, Tajdini** (2002) Women's education and labor force participation and fertility decline in Iran, Institute for Research on Planning and Development, Tehran.
- Mishra, V** (2004) Muslim-Non Muslim differentials in fertility and family planning in India, East-West Center Working Papers, Population and Health Series, No. 112.
- Mistry, M** (1999) The role of religion in fertility and family planning among Muslims in India, *Indian Journal of Secularism*. 3(2). 1-33.
- Mirzaie, M** (2005) Swings in fertility limitation in Iran, *Critique:Critical Middle Eastern Studies*, 14(1): 25-33.
- Nai Peng, T** (2002) Socioeconomic and ethnic fertility differentials in Peninsular Malaysia, Presented at the IUSSP conference on Southeast Asia's Population in Changing Asian Context, Bangkok, Thailand, 10-13 June.
- Osili, U O, and B, Terry Long** (2004) Does female schooling reduce fertility? The case of universal primary education in Nigeria, Indiana University.
- Population Reference Bureau** (2006) The 2006 World Population Data Sheet, New York.
- Poston JR, Dudley L, C.F, Chang and H, Dan. (2006). Fertility differences between majority and minority nationality groups in china, *Population Research and Policy Review*, 25: 67-101.
- Retherford R.D., Naohiro O, Rikiya, M and I, Hajime** (2003) Trends in fertility by education in Japan, 1966-2000, Paper Presented at the 21st Population Census Conference, Kyoto, Japan.
- Rosenzweig, M.R and T.P, Schultz** (1989) Schooling, information and nonmarket productivity: contraceptive use and its effectiveness, *International Economic Review*, 30(2): 457-77.
- Sly, D.F** (1970) Minority group status and fertility: an extension of Goldscheider and Uhlenberg, *American Journal of Sociology*, 76(3): 443-459.
- Stycos, J.M** (2001) The decline of fertility in Costa Rica: literacy, modernization and family planning, *Population Studies*, 36(1): 15-30.

Sutay, Y (2005) Fertility transition and the progression to third birth in Turkey, MPIDR Working Paper wp 2005-028, Max plank Institute for Demographic Research in: <http://www.demogr.mpg.de>.

Sutay, Y (2006) Completing the fertility transition: third birth developments by language groups in Turkey, Demographic Research, Vol. 15(15): 435-460.

Thomlinson, R (1965) Population dynamics, New York, Random House.

Trovato, F (1981) Canadian ethnic fertility, Sociological Focus, 14(1): 157-174.

Vikat, A (2004) Women's labor force attachment and childbearing in Finland, Demographic Research, 3(8): 178-207.

